

تکمله‌ای بر دیوان قطران تبریزی

محسن شریفی صحی*

چکیده

بهره‌مندی از متون جنبی، چون فرهنگ‌ها، جنگ‌ها و سفینه‌های شعری در تصحیح، جمع‌آوری و ضبط صحیح اشعار، راه‌گشای مصحح است. یگانه چاپ اشعار قطران تبریزی به اهتمام حسین نخجوانی، دارای کاستی‌ها و اشکالاتی در ضبط و نقائصی در تعداد ابیات است. در این جستار نگارنده سعی دارد در حد توان خود گوشه‌ای از نقص‌های این چاپ را رفع، و در تکمیل دیوان قطران نقشی ایفا کند. از این رو با بهره‌گیری از برخی نسخ دست‌نویس کتابخانه‌های مجلس و ملی در قالب جنگ و دیوان اشعار، که در دسترس نخجوانی نبوده و نیز تذکره‌هایی از قبیل مجمع الفصحاح و فرهنگ لغات صحاح الفرس، جهانگیری، رشیدی و انجمن‌آرای ناصری، تعدادی از ضبط‌های ارجح ابیات را معرفی، و ۸۰ بیت از اشعار نویافته قطران را ارائه نموده است.

کلیدواژه‌ها: قطران، نخجوانی، فرهنگ جهانگیری، رشیدی، انجمن‌آرای ناصری، مجمع الفصحاح، نسخ دست‌نویس مجلس.

تاریخ دریافت: ۹۳/۸/۲۶ تاریخ پذیرش: ۹۴/۳/۱۹

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد مشهد / Mohsen.sharifi66@yahoo.com

مقدمه

تنها تصحیح موجود از دیوان اشعار قطران تبریزی، به همت حسین نخجوانی و در ۱۳۳۳ ش صورت پذیرفته است. وی با بهره‌گیری از ۸ نسخه دست‌نویس به جمع‌آوری اشعار قطران پرداخت، بدون این که کوششی در ثبت شناسنامه اشعار موجود بکند تا راه تحقیقات بعدی را بگشاید. اثری از نسخه بدل‌ها نیز به ندرت در صفحات دیوان مصحح وی به چشم می‌خورد.

کاستی‌هایی هم که نسخ و منابع نخجوانی در ضبط کلمات داشته‌اند و ناگزیر به تصحیح نخجوانی راه یافته است، به اضافه بدخوانی‌ها و اشتباهات مصحح ارجمند، ایجاب می‌کند که با سعی و دقتی محققانه و رعایت اصول علمی، تصحیحی جدید از اشعار قطران انجام گیرد.

عدم رجوع مصحح به تذکره‌ها، جنگ‌های شعری و کتب دیگر از قبیل فرهنگ‌ها نیز باعث نقص دیوان گشته است. حتی اشعاری که پیش از شروع ایشان به تصحیح، در مجله ارمنان و در سال ۱۳۱۶ (ش ۴، دوره ۱۸) و سال ۱۳۲۰ (ش ۱، دوره ۲۲) به چاپ رسید و حاوی اشعاری منقول از نسخه‌ای قدیم بوده، به نظر ایشان نرسیده است. اشعار مورد نظر، در دیوان قطران موجود نیست؛ نشانی دقیقی نیز در مجله مذکور نیامده که محققان را به اشعار مذکور رهنمون گردد؛ مثلاً در شماره ۱۶۱ همین مجله (سال ۱۳۱۳، دوره ۱۵) ابیاتی از شاعران دیگر نقل شده و منبع آن «سفینه حضرت آقای تقوی» ذکر گشته که «مؤلف این سفینه، محمود نامی است که در نهصد هجری می‌زیسته و شرح حال او در دست نیست». ابیات جدید قطران در ارمنان، ذیل «سفینه کهنسال» آمده و با بررسی‌های صورت گرفته، مشخص شد تمامی این اشعار در سفینه صائب نیز ثبت گشته است (صائب ۱۳۸۵: ۱۳۳ و ۲۱۸). به گمان راقم این سطور، این «سفینه کهنسال» می‌تواند همان سفینه صائب یا منبع آن باشد.

با همه این اوصاف، باید قدردان مرحوم نخجوانی بود که پرده از چهره قطران و اشعار وی برداشته و اولین و آخرین تصحیح اشعار این سراینده مرهون اهتمام اوست. البته پیش‌تر، اوحدی بلیانی در عرفات‌العاشقین و هدایت در مجمع‌الفصحا با ارزیابی محققانه اشعار رودکی و قطران، نشان دادند که برخی از اشعار منسوب به رودکی در واقع از قطران است.

تلاش نگارنده در این جستار بر این است که با بررسی تصحیح نخجوانی و چند متن دست‌نویس و چاپی دیگر، گوشه‌ای از نادرستی‌های چاپ نخجوانی را نشان دهد و نیز، ابیاتی نویافته از قطران را که به دیوان چاپی وی راه نیافته است معرفی نماید.

پیشینه تحقیق:

آنچه پیش‌تر درباره تصحیح برخی ابیات قطران نگارش یافته، منحصر به مقاله «اشعار قطران تبریزی در لباب‌الالباب» است که نویسندگان آن به تصحیح برخی ابیات ترکیب‌بند قطران پرداخته و به فایده کاربرد تذکرها در تصحیح متون، از جمله لباب‌الالباب عوفی توجه داده‌اند. در ضمن، نوید تصحیح این دیوان در گروه تصحیح متون فرهنگستان نیز در همین مقاله داده شده است. (کجویی؛ معرفت ۱۳۹۱: ۱۹۶)

اما در باب ابیات جدیدی که در دیوان قطران یافت نمی‌شود، نذیر احمد در مقاله‌ای تحت عنوان «مونس‌الاحرار دیگر، از احمد بن محمد کلاتی اصفهانی»، مطلع ۳ شعر جدید قطران را در تذکره یاد شده نشان داده است (نذیر احمد ۱۳۹۰: ۲۵۲-۲۵۳)؛ صورت کامل این اشعار در مقاله «سه قصیده ناشناخته از قطران تبریزی» به قلم امیرحسن عابدی آمده است (عابدی ۱۳۵۹: ۵۰۸-۵۱۶). ابیاتی نیز در عرفات‌العاشقین به نام قطران آمده که در دیوان او موجود نیست، و مصححان این تذکره، متذکر این مطلب شده‌اند (اوحدی بلیانی ۱۳۸۹: ۳۳۵۹، ۳۳۶۰، ۳۳۶۵، ۳۳۶۹). صاحب تذکره هفت اقلیم نیز قصیده‌ای ۱۸ بیتی، چند رباعی و مثنوی‌هایی

را به قطران منسوب دانسته که در دیوان او نیست، و مصحح نیز تصریح کرده که اشعار جدید را در دیوان قطران نیافته است (احمد رازی ۱۳۸۹: ۱۳۸۳-۱۳۸۵). لیکن اوحدی بلیانی درباره انتساب غلط یکی از همین مثنوی‌های منسوب به قطران یعنی: «ای که می‌خندی چو گل بر خویش فاش...»، در عرفات سخن رانده و ذیل معرفی اشعار زلالی خوانساری گفته است:

«در بدایت حال شخصی به سبب عداوت داستانی چند از مثنوی او را به اسم قطران، به دو سه کس داد و لهذا آن مثنوی بسیار به اسم قطران شهرت یافته و باعث ازدیاد حالت او شد. قطران مثنوی نگفته... بنده و اکثر معاصرین شاهدیم که این شعر از اوست چه وی را در صفاهان و غیره بسیار دیده و صحبت داشته و اشعار وی را فرد فرد شنیده و سنجیده‌ایم...» (اوحدی بلیانی ۱۳۸۹: ۱۶۷۳)

مثنوی دیگری نیز با مطلع: «گر ز تو ذره کند خورشیدی...» در هفت اقلیم به نام قطران آمده و به سبب خلط اشعار وی با رودکی، به رودکی نیز منتسب گشته، و سعید نفیسی سراینده اصلی مثنوی را ظهوری معرفی کرده است (نفیسی ۱۳۴۱: ۴۳۳). در ریاض الشعرا بیت: «عشق من از سرین تو...» به قطران منسوب شده، که در دیوان شاعر نیست (داغستانی ج ۳، ۱۳۸۴: ۱۷۸۹)، ولی جزء همان اشعاری از قطران که در مجله ارمان درج شده و در سفینه صائب نیز آمده، دیده می‌شود. همچنین، قصیده‌ای ۴۱ بیتی با مطلع زیر، در «مجموعه لطائف و سفینه ظرائف» ذیل نام قطران به ثبت رسیده که در دیوان قطران موجود نیست و نگارنده تا کنون متنی که آن را گزارش کرده باشد ندیده است:

باد فرخاری همی گردد میان بوستان ابر آذاری همی گرید فراز گلستان
(سیف جام هروی، نسخه خطی Or4110: برگ ۴۶-۴۸)

لیکن در مقاله عارف نوشاهی (۱۳۷۸: ۵۱-۵۲) تحت عنوان «مجموعه لطائف و سفینه ظرائف منبعی کهن در شعر فارسی و صنایع ادبی» گفته شده که امیرحسن عابدی در مجله بیاض دانشگاه دهلی در سال ۱۹۸۵ (ش ۵؛ ص ۱-۲۰) مقاله‌ای با

نام «مجموعه لطائف و سفینه طرائف» به چاپ رسانیده که حاوی گزیده اشعار قطران و شاعران دیگر است. به سبب این که نگارنده به مقاله مذکور دسترسی نداشته و نقل و معرفی قصیده ۴۱ بیتی در آن مقاله محتمل است، نقل و نقد آن ۴۱ بیت در اشعار نویافته این جستار وارد نشده است.

۱- اشکالات:

اشکالات در ضبط کلمات، کژتابی‌های دیوان، و نیز بدخوانی‌های نخبوانی در تصحیح دیوان قطران از سویی، و معرفی ابیات نویافته او از متون مختلف، ذیلاً در دو بخش بیان می‌شود:

۱-۱ یکی از بندهای ترکیب‌بند معروف قطران در بردارنده بیت زیر است:

جان خصمانت زیان در غم به طمع سود سود وز دل یارانست سود خرمی بزدود دود
(قطران ۱۳۶۲: ۴۳۹)

مصراع اول این بیت در مقاله «اشعار قطران...» مورد مذاقه نویسندگان آن قرار گرفته، و ضبط آن دارای اشکال دانسته شده است (کجویی؛ معرفت ۱۳۹۱: ۱۹۴)؛ لیکن درباره مصراع دوم که معنای دقیقی ندارد، سخنی نرفته است. انجو شیرازی ذیل واژه «دود» به معنای غم و اندوه، مصراع دوم بیت بالا را بدین شکل آورده است: وز دل خویشانت سوروخرمی بزدودود (۱۳۵۱: ۲/ ۱۹۹۲).

عین همین ضبط، در نسخه مونس الاحرار (۷۴۱ق) نیز به چشم می‌خورد که تأییدی بر ضبط ارجح آن در قیاس با دیوان است (مونس الاحرار جاجرمی ۷۴۱ق: ۱۹۱؛ جاجرمی ۱۳۳۷: ۱۴۱)؛ رشیدی توی (۱۳۳۷: ۶۹۹) و صاحب مجمع‌الفرس (کاشانی ۱۳۳۸: ۵۱۶) نیز در ذکر بیت بالا با ضبط ارجح و معنای آن، طی توضیحاتی آن را نقل کرده‌اند.

۱-۲ بیت زیر در دومین قصیده دیوان آمده است:

نزیید بخت را هر تن نشاید تاج را هر سر نه هر سرخی بود مرجان نه هر سبزی بود مینا
(قطران ۱۳۶۲: ۵)

تناسب تخت با تاج مسبوق به سابقه است که به اشتباه در دیوان قطران به صورت
«بخت» آمده است. هدایت نیز در مجمع الفصحا شکل صحیح آن را درج کرده است
(۱۳۸۲: ۱۶۶۹).

۱-۳ یکی از ابیاتی که در مدح ابونصر سعد بن مهدی سروده شده، به شکل زیر
است:

نه کوتاه است درازی او ز جنبش باد گهیش کوتاه بینی به چهره گاه دراز
(قطران ۱۳۶۲: ۱۸۴)

سخن شاعر از درازی زلف نیکوان چین و طراز است و بیت بالا در وصف کوتاه
نبودن آن است. بیت به این صورت، معنای مطلوبی ندارد؛ هدایت صحیح آن را به
نحو زیر آورده است:

نه کوتاه است و دراز او ولی ز جنبش باد گهیش کوتاه بینی به چهره گاه دراز
(۱۶۸۳: ۱۳۸۲)

۱-۴ نخجوانی مطلع یکی از قصاید قطران را به شکل زیر ثبت کرده است:

نسیم آب بماند به بوی عنبر ناب سرشگ ابر بماند به لؤلؤ خوشاب
(قطران ۱۳۶۲: ۴۵)

عبارت «نسیم آب» غلط است و صحیح آن، طبق سنت ادبی، باید «نسیم باد»
باشد. همین صورت بیت در قسمتی دیگر از دیوان قطران آمده که تأییدی است بر
ضبط اشتباه آن به شکل بالا:

سرشک ابر زمین را شگفت رنگین کرد نسیم باد هوا را شگفت بویا کرد
(همان: ۷۹)

دو نسخه دست‌نویس اشعار قطران نیز ضبط صحیح را آورده‌اند (نسخه ۲۴۷۷ مورخ ۱۲۰۶ق: ۵۹؛ نسخه ۴۰۹۹ مورخ ۱۲۰۷: ۴۷). این بیت در مجمع‌الفصحا نیز به همین گونه آمده است (هدایت ۱۳۸۲: ۱۶۶۹).

۱-۵ نخجوانی ضمن توضیحی که در مقدمه داده، اغلاط و نادرستی‌های ضبط نسخ و نکات نامفهوم را با علامت ؟ نشان کرده است (قطران ۱۳۶۲: هجده). هر دو مصراع بیت زیر همراه با علامت سؤال آمده (همان: ۹۰) و شکل درست آن بر ایشان مکشوف نبوده است:

گر کند بلبل به الحان خوش او را مادحی باز او را گل خدای عرش در قرآن کند
دو نسخه دیوان قطران در کتاب‌خانه مجلس به شماره ۴۰۹۹ مورخ ۱۲۰۷ق (برگ ۱۳)، و شماره ۲۴۷۷ با تاریخ ۱۲۰۶ق (برگ ۱۳) نیز مؤید همین ضبط هستند؛ لیکن این بیت در برخی فرهنگ‌ها به شکلی دیگر ضبط شده است. گویا ابتدا صاحب فرهنگ جهانگیری است که بیت فوق را ذیل لغت باد، در معنای مدح و ثنا به شکل زیر آورده که صورتی مقبول‌تر دارد:

گر کند بلبل به الحان در مر او را باد چيست باد اصل او خدای عرش در فرقان کند
(انجوشیرازی ۱۳۵۱: ۱۸۰/۱)
رشیدی نیز در فرهنگ خود، بیت بالا را ذکر کرده است (تتوی ۱۳۳۷: ۲۱۵). هدایت، که بی شک نسخه جز نسخ نخجوانی را در اختیار داشته و در ثبت اشعار قطران از آنها بهره برده است، همین صورت بیت را با اندک تغییری، در انجمن آرای ناصری خود ضبط کرده است، با این تفاوت که در آن «گر کند بلبل به الحان در سر او را باد چيست» آمده است (هدایت ۱۲۸۸: ۶۱).

به نظر می‌رسد کاتبی فهم واژه «باد» را دشوار دیده و به گمان خود، با تغییر آن به «مادح»، فهمش را آسان تر می‌کند؛ هرچند که شکل کتابت «بادچيست» (با در نظر گرفتن بی نقطه یا کم نقطه بودن آن در متون متقدم) با «مادحی» تا حدی شباهت دارد.

۱-۶ بیتی دیگر شامل کلمه‌ای که اشتباه ضبط شده است:

روی پر غنجا و غنج و چشم پر تیر خدنگ آن به نیکویی منقش این به جادویی کحیل
(قطران ۱۳۶۲: ۲۱۴)

«غنجا» نادرست و نامفهوم، و صحیح آن غُنْجَار است به معنای «خشم و اعراض که محبوبان از روی ناز کنند» (تتوی ۱۳۳۷: ۱۴۸) و با فضای بیت نیز تناسب دارد؛ در مجمع‌الفصحا هم به همین صورت مشاهده می‌شود (هدایت ۱۳۸۲: ۱۶۸۷).

۱-۷ بیت زیر اختلال وزن دارد و معنای مصراع دوم آن نیز به کلی مخدوش است:

چون جوشن پوشیدی گه رفتن شد تیر علمرا دلم بند جوشن
(قطران ۱۳۶۲: ۴۹۴)

به اعتبار وزن قصیده‌ای که شامل بیت بالا است (مستفعل فاعلات مفعولن) وزن این بیت اشکال دارد.

بیت مذکور، در مجمع‌الفصحا به صورت زیر ضبط شده، که البته ثقیل است، لیکن کم‌ترین فایده آن در صحت وزن است:

چون جوشن جو شدی برای جنگ تیر غم را دلم بید جوشن
(قطران ۱۳۶۲: ۴۹۴)

۱-۸ در یکی از قصاید قطران، دو بیت زیر پشت سر هم آمده است:

در تنگ دهان تو نهان سی و دو لؤلؤ من تنگ دلی دارم تو تنگ دهانی
ای گشته دل من به دهان تو به تنگی در تنگ دل من دو صد اندوه نهانی
(قطران ۱۳۶۲: ۳۸۸)

به نظر می‌رسد مصراع زوج جا به جا آمده باشد؛ اشاره شاعر در مصراع اول، به تنگ دهانی و سی و دو لؤلؤ معشوق است؛ از این رو در تشبیه دهان تنگ به دل تنگ و قیاس این دو با هم در مصراع دوم، تکلیف سی و دو لؤلؤ مشخص نمی‌شود. به زعم نگارنده، می‌توان ضبط هدایت در مجمع‌الفصحا را پذیرفت که نه تنها مقابله «دهان

تنگ» و «دل تنگ» صورت گرفته، بلکه تقابل «سی و دو لؤلؤ» با «دو صد اندوه نهانی» نیز زیبا نشسته است:

در تنگ دهان تو نهان سی و دو لؤلؤ در تنگ دل من دو صد اندوه نهانی
(هدایت ۱۳۸۲: ۱۶۹۴)

بیت دوم نیز در مجمع‌الفصحاح به شکل زیر آمده است:

ای گشته دل من چو دهان تو به تنگی من تنگ دلی دارم و تو تنگ دهانی
(همان)

مضاف بر قول هدایت، نسخه دیوان قطران به شماره ۸۰۷۴۹ در کتابخانه مجلس، که در سال ۱۲۵۸ ق مکتوب گشته نیز ضبط ارجح بالا را تأیید می‌کند (نسخه ۸۰۷۴۹: ۶۵).

۱-۹ تکرار «مرغ» در مصراع دوم بیت زیر صحیح به نظر نمی‌آید:

بید را از باد بالش سرور را از آب کش مرغ را از لاله بستر مرغ را از نم نما
(قطران ۱۳۶۲: ۱۹)

اگر به ضبط واژه‌های بیت خرده‌نگیریم، اشتباهی را که حداقل در نیمه آخر مصراع دوم رخ داده نمی‌توان نادیده گرفت؛ «نما داشتن مرغ از نم» بی‌معناست. هدایت در مجمع‌الفصحاح بیت را به شکل زیر ثبت نموده است:

بید را از باد تابش برف را از دم دمار راغ را از لاله بستر باغ را از نم نما
(هدایت ۱۳۸۲: ۱۶۶۷)

با ضبط فوق، نه تنها معنای بیت روشن تر می‌شود، بلکه صنعت جناس بین راغ و باغ نیز که در ادبیات فارسی مسبوق به سابقه است رعایت شده است. ضبط نسخه ۲۴۷۷ نیز نسبت به چاپ نخجوانی ارجحیت دارد:

بید را از باد نالش سرور را از آب کش مرغ را از لاله بستر مرغزار از نم نما
(مورخ ۱۲۰۷: ۹۷)

نسخه ۸۰۷۴۹ نیز ترکیبی از دو صورت مذکور یعنی: «مرغ را از لاله بستر باغ را از نم نما» ثبت کرده است (مورخ ۱۲۵۸: ۷).

۱-۱ بدخوانی یکی از واژه‌های رباعی زیر مشخص است:

تبخاله مرا نمود معشوقه ز ناز هر دم به لبان سرخش انگشت فراز
چون کودک شیرخواره از حرص و ز آز انگشت هم مزم به شب‌های دراز
(قطران ۱۳۶۲: ۵۳۲)

فعل «بردم» در مصراع دوم بیت اول، تبدیل به «هر دم» شده، که سبب آن، خوانش نادرست «ه» به جای «ب» است؛ صورت ارجح آن در نسخه ۸۰۷۴۹ (مورخ ۱۲۵۸: ۷۷) و مجمع الفصحای آمده است (هدایت ۱۳۸۲: ۱۷۰۰).

۱- نو یافته‌ها:

این بخش از مقاله در باره اهمیت منابع جنبی در دستیابی به اشعار قطران است تا در چاپی مجدد و منقح به کار مصححان آید. انتشار دیوان قطران به تصحیح نخجوانی، محصول بهره‌مندی وی از چند دست‌نویس دیوان قطران است؛ متون جنبی نقشی در تکمیل و بهتر کردن این تصحیح نداشته‌اند. از این رو، بررسی برخی از این قبیل متون می‌تواند محقق را به وجود ابیات تازه‌ای از قطران رهنمون شود که اثری از آنها در دیوان چاپی وی نیست.

۱-۲ نو یافته‌ها در فرهنگ‌ها:

فرهنگ جهانگیری در ضبط و ثبت اشعار قطران، بیش‌ترین اهمیت را در میان متون جانبی داراست و در تصحیح و جمع‌آوری اشعار وی نقشی اساسی دارد. بسیاری از اشعار قطران را که در دیوان چاپی او یافت نمی‌شود، می‌توان در این فرهنگ یافت. آن چه در فرهنگ‌های دیگر چون فرهنگ رشیدی و فرهنگ انجمن آرای ناصری آمده، تکرار منقولات انجوشیرازی است.

با این همه، نسبت به انتساب تمامی این اشعار به قطران، حتی اگر ذیل نام او درج شده باشد، نمی‌توان کاملاً مطمئن بود. از جمله این انتسابات غلط، بیتی است که

صاحب فرهنگ جهانگیری به نام قطران درج کرده ولی در دیوان اوحدی مراغه‌ای به چشم می‌خورد:

به پیشگاه بزرگان گرت بنگذارند فقیر باش و زمین بوس و آستان دریاب
(انجوشیرازی ۱۳۵۱: ۱/۹۹۲-۹۹۳؛ اوحدی ۱۳۴۰: ۳)

لیکن تا زمانی که اشعار آتی‌الذکر در متنی قدیم‌تر به نام دیگری و در دیوان شاعری دیگر یافت نگردد، انتساب اشعار منتسب به قطران در فرهنگ جهانگیری و متون دیگر را می‌توان موجه تلقی کرد.

در این بخش، ۳۵ بیت نویافته در فرهنگ‌های گوناگون معرفی خواهد شد که به جز ۲ بیت اول موجود در صحاح‌الفرس محمد بن هندوشاه نخجوانی، ۳۳ بیت دیگر در فرهنگ جهانگیری موجود است؛ ۱۶ بیت از این ۳۳ بیت در فرهنگ‌های دیگر نیز تکرار شده است؛ لیکن طبق بررسی‌های نگارنده، ۱۷ بیت دیگر، منبعی به قدمت فرهنگ جهانگیری ندارند.

۱-۱-۲ یکی از قدیم‌ترین منابعی که اشعاری به نام قطران در آن ثبت شده، فرهنگ لغت صحاح‌الفرس، تألیف محمد بن هندوشاه نخجوانی در قرن هشتم است. دو بیت از ابیاتی که به نام قطران در این فرهنگ آمده، ذیل «بغا» به معنای حیز است که در دیوان چاپی او وجود ندارد:

دربان تو ای خواجه مرا دوش بغا گفت تنها نه مرا گفت مرا گفت و تورا گفت
گفتا شعرا جمله بغا باشند و آن گه بیتی دو سه برخواند که این خواجه ما گفت
(نخجوانی ۲۵۳۵: ۲۱)

اهمین دو بیت سپس‌تر، در متون دیگری چون مجمع‌الفرس سروری (۱۳۳: ۱۱۷) فرهنگ رشیدی (۱۳۳۷: ۳۲۴) و فرهنگ انجمن آرای ناصری (۱۲۸۸: ۱۰۵) نیز به نام قطران ثبت گشته است.

۲-۱-۲ ذیل لغت «تور»، در معنای پهلوان:

هیچ توری را نفرماید فلک پیکار تو ور بفرماید به خاک اندر شود مستور تور
(انجوشیرازی ۱۳۵۱: ۲/۱۹۵۰؛ تتوی ۱۳۳۷: ۴۵۷؛ هدایت ۱۲۸۸: ۲۸۲)

این بیت گم‌شده‌ای از ترکیب‌بند معروف قطران است که بندی از آن با ۴ بیت در دیوان چاپی او موجود است (قطران ۱۳۶۲: ۴۳۹-۴۴۰) و پیش از فرهنگ‌های مذکور، در مونس‌الحرار جاجرمی (۷۴۱ق: ۱۹۱) آمده است؛ شمس حاجی نیز در سفینه خود در قرن هشتم بیت فوق را آورده (۱۳۹۰: ۲۰۷) و مصحح آن، بدون اشاره به این مطلب، خبر از «یکی دو بیت نویافته» از سروده‌های قطران داده است (همان: ۸۲). همین بیت در مجموعه شماره ۸۸۳۶ مجلس (۱۰۳۳ق؛ برگ ۳۳۳) و جنگ ۲۳۲۶ مجلس (قرن ۱۱؛ ص ۲۴۸) نیز به چشم می‌خورد. بیت مورد نظر در چهار متن مونس‌الحرار، سفینه شمس حاجی، مجموعه و جنگ مجلس، در فرهنگ‌ها، با اندک تفاوتی به شرح زیر، ضبط شده است:

هیچ توری را نفرماید خرد پیکار او ور بفرماید به خون اندر شود مستور تور

۲-۱-۳ ذیل لغت «کمر»، که یکی از معانی آن زَنار است:

چون تو کمر جنگ ببندی، ملک روم کمرای بدرد پیرستد کمر تو
(انجو شیرازی ۱۳۵۱: ۱۷۲۷/۲؛ تتوی ۱۳۳۷: ۱۲۰۰؛ هدایت ۱۲۸۸: ۵۲۲)

مضمون این بیت در دیوان شاعر سابقه دارد:

تا تو کمر بیستی پیکار و جنگ را قیصر همی بُرد زَنار خویشان
(قطران ۱۳۶۲: ۲۶۰)

۲-۱-۴ ذیل لغت «کوچ»، به معانی: «احول»، «طایفه‌ای صحرانشین از راهزنان

کرمان»، «بلوچ»، و نیز «از منزلی به منزلی نقل کردن»:

شاه از انتظار زمانی که دادیم چشمان راست‌بین دعاگوی گشت کوچ
هستند اهل پارس هراسان ز کار من ز آن سان که اهل کرمان ترسان ز دزد کوچ
کوچت مبارک است و ندارم به دست هیچ جز خیمه کهنه‌ای و دو ترکی برای کوچ
(انجو شیرازی ۱۳۵۱: ۲۰۵۵/۲؛ تتوی ۱۳۳۷: ۱۲۲۹؛ هدایت ۱۲۸۸: ۵۳۱)

۲-۱-۵ ذیل لغت «کهاب» و کھتاب، به معنای دارویی ضد درد و ورم، و در

فرهنگ رشیدی، به معنای «گاه دود که برای بیماری اسبان کنند»:

به نام چون او باشند مهتران نه به فعل بود به رنگ یکی دود داغ و دود کهاب
(انجو شیرازی ۱۳۵۱: ۲/۲۱۸۸؛ تتوی ۱۳۳۷: ۱۲۵۶)

۲-۱-۶ ذیل «کیماک»، شهری در دشت قبچاق:

یلان خُلخ و یغما و کیماک کمر بسته به خدمت پیش تو پاک
(انجو شیرازی ۱۳۵۱: ۲/۲۳۳۳؛ تتوی ۱۳۳۷: ۱۲۶۴؛ هدایت ۱۲۸۸: ۵۴۱)

۲-۱-۷ در فرهنگ جهانگیری، ذیل واژه «افتال» در معنای پاشیدن و پراکندن، دو

بیت زیر آمده و تتوی نیز مصراع ۴ آن را آورده است:

دو نوبهار پدید آمده ز اول سال ز فصل سال و ز وصل شه ستوده خصال
از این بهار شده دست جود دُرافشان وز آن بهار شده چشم ابر دُرافتال
(انجو شیرازی ۱۳۵۱: ۲/۱۴۵۵؛ تتوی ۱۳۳۷: ۱۳۴)

۲-۱-۸ بیت زیر، در فرهنگ جهانگیری ذیل مملان و در فرهنگ رشیدی ذیل

هستودان ثبت شده است؛ بعضی منابع، از جمله مجمع الفصحا (۱۳۸۲: ۱۶۶۵) و
فرهنگ انجمن آرا (۱۲۸۸: ۶۷۲، ذیل هستودان)، ممدوح قطران را هستودان ذکر
کرده‌اند. «در بعضی کتب هستودان را هسودان^۱ نوشته‌اند، چون ذکر این طبقه چنان که
که باید در تواریخ مرقوم نگردیده و به تحقیق معلوم نیست.» (همان) انجو شیرازی و
رشیدی نیز در بیت زیر ممدوح شاعر را هستودان خوانده‌اند:

به روی تو چنان شادم که درویشی که بنوازد سر شاهان ابو منصور هستودان مملانش
(انجو شیرازی ۱۳۵۱: ۲/۱۷۳۱؛ تتوی ۱۳۳۷: ۱۳۴۹)

۲-۱-۹ ذیل "نشاختن"، نشاستن و نشاخت، به معنای نشانندن:

با چنگ و بربط ساخته، از درد و غم پرداخته اندر میان بنشاخته یار لطیف غمگسار
(انجو شیرازی ۱۳۵۱: ۲/۱۴۰۸؛ تتوی ۱۳۳۷: ۱۴۰۵؛ هدایت ۱۲۸۸: ۶۳۶)

۱. گویا باید همان وهسودان باشد؛ همچنین ذیل هستودان در فرهنگ جهانگیری بی‌تی آمده که، بنا به گفته مصحح، در دیوان نیست (انجو شیرازی ۱۳۵۱: ۱/۱۳۳۵). ذیل «فاید» نیز بی‌تی دیگر به چشم می‌خورد که در دیوان قطران مشاهده نشده، ولی مصحح فرهنگ متذکر آن شده است (انجو شیرازی ۱۳۵۱: ۱/۴۱۹).

۲-۱-۱۰ ذیل «توره»، در معنای شغال:

تنها من و یک شهر پُر از خصم تو با من شیری و یکی دشت پر از روبه و توره
(انجوشیرازی ۱۳۵۱: ۱۹۵۱/۲؛ تتوی ۱۳۳۷: ۴۵۸؛ هدایت ۱۲۸۸: ۲۸۲)

۲-۱-۱۱ در فرهنگ جهانگیری ذیل «سپاروک» و در فرهنگ رشیدی ذیل «سبارو»

و «سباروک»، در معنای کبوتر:

سپاروک ارچه اوج چرخ گیرد کجا گردد رها از مخلب باز
(انجوشیرازی ۱۳۵۱: ۶۳۲/۱؛ تتوی ۱۳۳۷: ۸۲۴)

در فرهنگ ناصری نیز همین بیت به چشم می خورد (هدایت ۱۲۸۸: ۳۷۶). اما بهترین

دلیل صحّت انتساب این بیت به قطران، وجود بیتی دیگر در دیوان چاپی وی است:

به امر او بگند میش گرگ را چنگال به فرّ او بگند کبک باز را مخلب
(قطران ۱۳۶۲: ۳۲)

۲-۱-۱۲ بیت زیر، ذیل «چبیره»، در معنای جمع دیده می شود؛ با این وزن و

قافیه قصیده‌ای در دیوان قطران موجود نیست:

سحرگاهان ز نند تندر تییره وز او لشکر کند سرما چبیره
(انجوشیرازی ۱۳۵۱: ۵۸۰/۱؛ تتوی ۱۳۳۷: ۴۹۰)

۲-۱-۱۳ ذیل «زریون»، در معنای سبز و خرم دو بیت مندرج است:

همیشه بار خدایا سر توزریون باد که هست جان همه مردمان به توزریون
و:

آن درختی کش تو باری، باد زریون جاودان کو به دانش باغ دولت را همی زریون کند
(انجوشیرازی ۱۳۵۱: ۱۰۰۴/۱)

بیت اول در دیوان چاپی موجود نیست، گر چه رشیدی و هدایت آن را نقل کرده‌اند

(تتوی ۱۳۳۷: ۷۸۳؛ هدایت ۱۲۸۸: ۴۳۳).

۲-۱-۱۴ ذیل لغت «پرژک»، در معنای گریه کردن:

عرش و کرسی در آب شد پنهان بس که کردم ز فرقتت پرژک
(انجوشیرازی ۱۳۵۱: ۸۸۰/۱؛ تتوی ۱۳۳۷: ۲۸۶)

ابیات بعدی فقط با استناد به فرهنگ جهانگیری نقل خواهد شد، زیرا در فرهنگ رشیدی و ناصری موجود نیستند:

۱-۲-۱۵ ذیل داهم و داهیم در معنای تاج پادشاهان که آن را دیهیم نیز خوانند:
ایسا ناصح شاه دیهیم داری و یسا حاسد شاه داهیم داری
(انجو شیرازی ۱۳۵۱: ۱/۳۲۵)

۱-۲-۱۶ ذیل «آبخور»، به معنای نصیب:
ترسم که برآید ز جهان آبخور من کز شهر برآورد جهان آبخور تو
(همان: ۱/۷۲)

۱-۲-۱۷ ذیل «کاغ»، در معنای آتش:
از ابر تیره برق بتابد به روز پاک چون سرخ داغ تابان از تیره دود کاغ
(همان: ۱/۴۳۸).

۱-۲-۱۸ ذیل «کانا»، در معنای نادان:
اگر چه مهترین مُعطی وگر چه بهترین دانا ز جودش کهرتین سائل ز فضلش کمترین کانا
(انجو شیرازی ۱۳۵۱: ۱/۴۵۱)

۱-۲-۱۹ دو بیت ذیل «زبیر» به معنای یاد گرفتن، آمده که اولی در دیوان چاپی مندرج است (۱۳۶۲: ۱۳۴) و دومی نیست:
نیک خواهان رارسانی همچویوسف سوی تخت بدسگالان را فرستی همچو قارون سوی بیر
بار انده ناید آن کو یافت نزدیک تو بار پیر غم شناسد آن کو کرد مدح تو زبیر
(انجو شیرازی ۱۳۵۱: ۱/۵۸۷)

۱-۲-۲۰ ذیل «ستاغ»، در معنای سترون و عقیمه:
آن قوم را که دارند از کینش سر ستیغ مردان بوند عنین پاک و زنان ستاغ
(همان: ۱/۶۷۲)

۱-۲-۲۱ ذیل «ستودان»، به معنای عمارتی که بر سر قبر آتش پرستان سازند:
ای بارخدایت به همه فضل ستوده خصمان تو را جای به زندان و ستودان
(همان: ۱/۶۸۱)

۲-۱-۲۲ ذیل «گردنا»، در معنای نوعی کباب که آن را گردان یا گردانیده نیز

گویند:

گر قوی تر مهتری گردن کشد با کهتران جانش را گردون کند بر آتش غم گردنا
(همان: ۱۱۲۷/۱)

همین معنا در دیوان چاپی نیز دیده می شود:

آن را که بر خلاف تو گردن کشی کند گردون کشد بر آتش تیمار گردنا
(قطران: ۱۳۶۲: ۸)

۲-۱-۲۳ ذیل «گری»، در معنای کیله:

دهد او سیم به قنطار و یواقیت به گنج دهد او زرّ به انبار و لآلی به گری
(انجو شیرازی ۱۳۵۱: ۱۱۴۲/۱)

۲-۱-۲۴ ذیل «دستوار»، به معنای عصا:

فلک پیر شد، زان همی راست پوید که دارد ز شمشیرِ او دستواری
(همان: ۱۳۰۰/۱)

۲-۱-۲۵ ذیل «جمشیدون»:

خداش از آن رو مسعود کرد و گر خواهد هرآن چه خواهد بکند چو کرد جمشیدون
(همان: ۱۶۸۳/۲)

۲-۱-۲۶ ذیل «اندیک»، به معنای «بود که»، «باشد که»:

گر یار نداند خطر و قدر تو شاید اندیک فلک داند قدر و خطر تو
(همان: ۱۷۵۵/۲)

۲-۱-۲۷ ذیل «هنباز»، در معنای شریک:

نشد پیوسته کس با وی که هنبازش نشد نصرت کس اندر وی نشد عاصی که نامد پیش، خذلانش
(همان: ۱۹۱۴/۲)

۲-۱-۲۸ ذیل «ده آک»، که ضحاک مُعَرَّب آن است، و چون در او ده عیب بود

وی را به این نام می خواندند:

بداندیش تو دهاک است و ده آک تو ای خسرو فریدونی فریدون
(همان: ۲۱۶۸/۲)

۲-۱-۲۹ ذیل «نیم‌لنگ»، در معنای قِربان:

لنگ گردد پای بخت و دولتِ دشمن مدام چون به روز جنگ یازد دست سوی نیم لنگ
(همان: ۲۳۵۷/۲)

۲-۱-۳۰ ذیل «نوآیین»، به معنای آراسته و زیبا:

ای گرامی‌تر ز دانش وی نوآیین‌تر ز دین ای گزیده چون ساعات وی ستوده چون ادب
(همان: ۲۱۱۳/۲)

بیتی با همین قافیه و شباهت در ترکیبات و ساختار، در دیوان چاپی نیز آمده است:
ای به شیرینی چون جان و به خوشی چو جهان وی پسندیده چو تدبیر و ستوده چو ادب
(قطران ۱۳۶۲: ۴۴)

۲-۱-۳۱ ذیل «کبست» و کبسته، در معنای حنظل:

به دست حاسدش اندر چو خار باد شکسته به کام ناصحش اندر چو نوش باد کبسته
(انجوشیرازی ۱۳۵۱: ۶۰۸/۱)

ساختار دعایی بیت بالا، در بیت دیگری از قطران مشاهده می‌شود:

به کام حاسدش اندر چو قار گردد شیر به جام ناصحش اندر چو شیر گردد قار
(قطران ۱۳۶۲: ۱۷۷)

مخصوصاً مصراع دوم این بیت، شباهتی زیاد به بیت زیر از سوزنی سمرقندی

دارد:

به کام حاسد او چون کبست بادا نوش به کام ناصح او همچو نوش باد کبست
(سوزنی ۱۳۳۸: ۱۴۲)

۲-۲-۲ نو یافته‌ها در نسخ دست‌نویس:

طی بررسی و ارزیابی نسخ دست‌نویسی که در کتاب‌خانه مجلس و ملی موجود است و نگارنده به آنها دسترسی پیدا کرد، ۳۴ بیت تازه منسوب به قطران دیده شد که در دیوان چاپی وی ضبط نشده است. غالب این ابیات، بیت‌های گمشده و افتاده از قصاید است. به جهت رعایت اختصار، تنها مصراع اول مطلع این دست‌قصاید، که بیت یا ابیاتی نو یافته دارند نگاشته خواهد شد؛ سپس ابیات جدید درج می‌گردد:

۲-۲-۱ قصیده ۲۷ بیتی: تا زمین را آسمان پر لؤلؤی عمان کند ... (قطران ۱۳۶۲: ۸۹). در نسخه ۴۰۹۹ مورخ ۱۲۰۷ با ۳۲ بیت، که ۷ بیت جدید دارد، ولی فاقد ۲ بیت ازدیوان چاپی است (برگ ۱۱)؛ تمام این ابیات در برگ ۱۲ از دست‌نویس شماره ۱۳۵۵۲ مجلس، صفحات ۲۳ و، و ۲۴ نسخه شماره ۷۸۱۶ مجلس مورخ ۱۲۵۶، و ایضاً صفحات ۱۶ و ۱۷ نسخه شماره ۲۳۲۴ مورخ ۱۲۵۸ در کتابخانه ملی نیز به چشم می‌خورد. ابیات تازه‌یاب اینهاست:

موسی عمران ز چوب خشک گر ثعبان نمود تازیانه وی فعال موسی عمران کند
این بیت پس از بیت ۱۲ دیوان آمده است. پس از بیت ۱۵ دیوان نیز بیت زیر درج گشته است:

در همه گیتیش فرمان است لیکن روز جنگ می‌نپندارم که یک ساعت دلش فرمان کند
به دنبال بیت ۱۸ نیز ۳ بیت مشاهده می‌شود:

آفرین بادا برآن میری که وی را جز جهان جان و دل همواره صاحب جوی را بران کند
گر به جودش کس عدیل حاتم طایی کند ور به جنگش کس قرین رستم دستان کند
همچنان باشد که رفتی راوی از آلت کند^۱ یا وقار و راستی را یار با دستان کند
پس از بیت ۲۶ دیوان، ۲ بیت زیر به ثبت رسیده است:

گر به روز بزم بنشیند همی با شاه خویش دل دمار گنج سازد کف هلاک جان کند
آن‌که‌وی بخشد به دست و آن‌که‌وی رادرفتن هیچ‌کس را دانی از شاهان گیتی آن کند

۲-۲-۲ قصیده ۴۶ بیتی: هر آن چه هست نهان بر منجمان جهان ... (قطران ۱۳۶۲: ۳۳۹). در نسخه ۴۰۹۹ (برگ ۱۶)، نسخه ۷۸۱۶ (ص ۳۷ و ۳۸)، نسخه ۱۳۵۵۲ (برگ ۱۸ و ۱۹) نسخه ۲۳۲۴ ملی (ص ۲۴ و ۲۶)، ۳ بیت بیش‌تر دارد. اولین بیت پس از بیت پنجم دیوان آمده است:

ز کارها چو برآمد ز دست او چه عجب اگر بدو در غالی شوند خلق جهان

۱. این مصراع در تمامی نسخ مذکور، مغشوش است.

دومین بیت پس از بیت ۳۹:

کنون هر آن چه تو خواهی به گردنش برنه / کنون هر آن چه تو خواهی ز نعمتش بستان

سومین بیت پس از بیت ۴۱:

بدین بس است مرا فتح گونه گونه دلیل / برین خلاف بسی رای گونه سعد کسان

۲-۲-۳ پس از بیت ۲۴ از قصیده ۴۰ بیته: بهشت وار شد از تو بهار بخت جوان
... (قطران ۱۳۶۲: ۲۸۴) که در نسخه ۴۰۹۹ با ۴۳ بیت آمده (برگ ۱۸) بیت زیر دیده می‌شود:

به خدمت آمده این را گزیدگان چگل / به یاری آمده آن را گزیدگان ازان

پس از بیت ۳۸ نیز ۲ بیت زیر آمده:

بدین سپاه ملک ار فرستدش سوی هند / بدین شکوه فرستد گرش سوی توران

به نوک خنجر او کشته گشت خواهد رای / به نوک نیزه او خسته گشت خواهد خان

۲-۲-۴ قصیده ۳۶ بیته: ایا بت رخ تو کرده بر بنفشه سپر ... (قطران ۱۳۶۲:

۱۱۸) در نسخ ۴۰۹۹ (برگ ۱۸ و ۱۹)، ۷۸۱۶ (صفحه ۴۴)، ۱۳۵۵۲ (برگ ۲۲) و

نسخه ۲۳۲۴ (صفحه ۳۰) یک بیت بیش‌تر دارد که پس از بیت ۲۴ دیوان آمده است:

سخاوت تو یقین است و آن جز تو گمان / شجاعت تو عیان است و آن جز تو خیر

۲-۲-۵ قصیده: مه نیسان برون آورد بر صحرا یکی لشگر ... با ۲۴ بیت در دیوان

چاپی موجود است. (قطران ۱۳۶۲: ۱۷۰) لیکن سه نسخه ۴۰۹۹ (برگ ۲۰)،

۱۳۵۵۲ (برگ ۲۳) و ۲۳۲۴ (صفحه ۳۱) سه بیت بیش‌تر دارند و هر سه پس از بیت

چهاردهم آمده است که مصارع آن در نسخ ما متعلق به ابیاتی دیگر است؛ بیت ۱۴

دیوان را مصارع: «به روز بزم ...»، و «یکی بیمش به ...» ساخته است که شکل آن در

نسخ ما بدین نحو است:

به روز بزم چون حاتم به روز رزم چون حیدر / ز تیغش رزم پر آهن ز کفش بزم پر گوهر

اگرچه تیغ او این جا اگرچه کف او ایدر / یکی بیمش به مشرق در، یکی جاهش به خاور در

هر آن دشمن که بد سازد به جای دشمن دیگر / پس آن بد سوی او گردد ز دشمن بر برد کیفر

مگر بدخواه او کوزار گشت و چرخ رنجش خور / بر او آید بلا چندان که یادش ناید از دیگر

۲-۲-۶ قصیده ۳۶ بیتی: اگر بتگر چو تو داند نگاریدن یکی پیکر ... (قطران ۱۳۶۲: ۱۰۵) در شش دست‌نویس دیوان قطران که در کتابخانه مجلس و ملی موجود است، بیتی جدید دارد که پس از بیت ۲۶ دیوان آمده است:

از او رادی پراکنده وز او زفتی سرافکنده سعادت پیش او بنده سیاست پیش او چاکر
(۴۰۹۹: برگ ۳۵؛ ۷۸۱۶: صفحه ۸۷؛ ۱۳۵۵۲: برگ ۴۴؛ ۷۶۶۸: صفحه ۱۰۶؛
۲۴۷۷: برگ ۴۵؛ ۲۳۲۴: صفحه ۵۹)

۲-۲-۷ پس از بیت ۳۳ دیوان در قصیده: هر که جانان را به مهر اندر عدیل جان کند ... (قطران ۱۳۶۲: ۹۲) در چهار نسخه ۴۰۹۹ (برگ ۳۷)، ۷۸۱۶ (صفحه ۹۱)، ۱۳۵۵۲ (برگ ۴۶) و ۲۳۲۴ (صفحه ۶۳) بیتی افزون آمده:

جان آزادان کند پیچان به درد و تا قدم کارها یک‌سر به کام جان آزادان کند
۲-۲-۸ قصیده: شگفت‌های جهان را پدید نیست کران ... (قطران ۱۳۶۲: ۳۱۱) در نسخه ۴۰۹۹ (برگ ۴۱) بیتی افزون دارد که پس از بیت ۱۹ دیوان آمده است؛ همین بیت در ۵ نسخه ۱۳۵۵۲ (برگ ۵۱)، ۷۸۱۶ (صفحه ۱۰۰)، ۷۶۶۸ (صفحه ۲۲۹)، ۲۳۲۴ (صفحه ۶۹) و ۲۴۷۷ (برگ ۵۲) نیز دیده می‌شود:

روا بود حدثان زمانه بر هر کس روا نباشد بر افزار پشت او حدثان [؟]
۲-۲-۹ قصیده ۳۷ بیتی: ای سهی سرو روان از تو بهشت آیین چمن ... (قطران ۱۳۶۲: ۲۶۱) در ۳ نسخه ۴۰۹۹ (برگ ۴۹)، ۷۸۱۶ (صفحه ۱۱۹)، ۲۳۲۴ (صفحه ۸۲) و ۱۳۵۵۲ (برگ ۶۰) با ۳۸ بیت دیده می‌شود و بیت تازه این نسخه پس از بیت ۱۹ دیوان آمده:

از قضای بد سپر سازد سنانش را سپهر گر سپاه دشمنان را از حزن باشد مجن
۲-۲-۱۰ قصیده: بار خدایا بسی عذاب کشیدی ... (قطران ۱۳۶۲: ۳۷۱) در نسخه ۴۰۹۹ (برگ ۵۲) همراه با سه بیت جدید است؛ این نسخه بیت آخر دیوان چاپی را ندارد و اولین بیت تازه در آن، پس از بیت هفتم دیوان درج شده است:

هیچ نترسیدی از رها شدن خویش روز و شب از دولت پدر ترسیدی [؟]

دو بیت آخر این نسخه نیز در دیوان موجود نیست:

دشمن ناشاد و جاودان توان بود تاشنوادی از این خزانه نویدی
بر لب جام و گهی لبان بتان هست تالب جام و لب بتان بخردی
نسخ ۷۸۱۶ (ص ۱۲۶ و ۱۲۸)، ۱۳۵۵۲ (برگ ۶۳ و ۶۴) و نسخه ۲۳۲۴ (ص ۸۶-۸۸) نیز سه بیت مذکور را دارند، با این تفاوت که مصارع زوج در دو بیت آخر آن، جا به جا آمده است؛ نسخه ۲۴۷۷ (برگ ۶۷) فقط بیت آخر و نسخه شماره ۱۱۵۶۴ مجلس مورخ ۱۲۶۱ق (برگ ۳ و ۴) بیت اول و آخر را ثبت کرده‌اند.

۲-۲-۱۱ شعر ۹ بیته: خدایگان جهان را طیب دارو داد ... در دیوان ۸ (قطران ۱۳۶۲: ۴۶۴) و در نسخه ۴۰۹۹ (برگ ۵۳) دارای ۹ بیت است؛ بیت افزون در این نسخه پس از بیت ۶ دیوان آمده است؛ همین بیت در نسخه ۱۳۵۵۲ (برگ ۶۵)، نسخه ۲۳۲۴ (صفحه ۸۸)، نسخه ۱۱۵۶۴ (برگ ۷) و نسخه شماره ۱۶۹ مجلس به تاریخ ۱۲۷۰ (صفحه ۷) نیز درج گشته:

ز بهر خصم به بازو نیاز نیست تو را خدای عرش تو را یار و پیر و بازو داد
۲-۲-۱۲ قصیده: ای جان من از آرزوی روی تویی جان ... (قطران ۱۳۶۲: ۲۹۵)
در نسخه ۴۰۹۹ تعداد ۳ بیت افزون دارد؛ (برگ ۶۶) اولین بیت پس از بیت ۱۹، دومین پس از بیت ۲۹ و سومین بیت پس از بیت ۳۰ دیوان آمده است؛ کاتبان نسخ ۱۳۵۵۲ (برگ ۷۹ و ۸۰)، ۲۴۷۷ (ص ۱۸۸-۱۸۹) ۲۳۲۴ (ص ۱۰۸-۱۰۹) و ۱۱۵۶۴ (برگ ۱۸ و ۱۹) هر سه بیت را درج کرده‌اند؛ در نسخه ۷۶۶۸ (برگ ۵۱) نیز بیت اول و سوم موجود است:

شیطان شود از مهر تو مانده حورا حورا شود از کین تو مانده شیطان
چون زهره ز میدان ببری گوی از این چاه مانند سها آید از آن سو سوی میدان
چون ماه بود گردان اندر خم گردون آن گوی تو اندر خم چوگان شده گردان
۲-۲-۱۳ پس از بیت ۲۲ قصیده: الا ای ماه مشکین مو به پیش آر آن می مشکین
... (قطران ۱۳۶۲: ۲۴۴) بیت زیر فوت شده که در سه نسخه ۴۰۹۹ (برگ ۷۳)،

۲۳۲۴ (صفحه ۱۲۰) و ۱۳۵۵۲ (برگ ۸۸) ثبت گشته:

الا تا قصه فرهاد و پرویز است در گیتی که بودی یار آن شیرین و بودی یار این شیرین
 ۲-۲-۱۴ قصیده: ای بهار خند خندان یک زمان با من بخند ... (قطران ۱۳۶۲:
 ۶۴) در نسخ ۴۰۹۹ (برگ ۷۳)، ۲۳۲۴ (صفحه ۱۲۰)، ۱۳۵۵۲ (برگ ۸۸) و ۲۴۷۷
 (برگ ۹۱) بیتی افزون دارد که پس از بیت ۵ دیوان آمده:

این چه گلنار است زورخها چو دیبای حریر و آن چه دینار است زورخها چو گلنار پرند؟
 ۲-۲-۱۵ پس از بیت ۲۵ قصیده: گه بهار همه خلق جفت یار بود ... (قطران
 ۱۳۶۲: ۱۰۰) بیتی تازه در نسخ ۴۰۹۹ (برگ ۷۴)، ۲۳۲۴ (صفحه ۱۲۲) و ۱۳۵۵۲
 (برگ ۹۰) مشاهده می شود:

جبال کوشش او را بروز یار بود بحار بخشش او را گهر بحار بود [؟]
 ۲-۲-۱۶ قصیده: ندانی درد هجر ای گل مرا زان زار گردانی ... (قطران ۱۳۶۲:
 ۴۰۰) در نسخه ۱۱۵۶۴ (برگ ۹) و ۷۸۱۶ (صفحه ۱۳۱) حاوی بیتی است که در
 دیوان مشاهده نمی شود:

گه بخشش چو بهرامی گه کوشش چو دستانی وقار کوه ماهانی نشان باد نیسانی
 ۲-۲-۱۷ در برگ پایانی نسخه ۴۰۹۹ دو بیت به نام قطران درج گشته که با حال و
 هوای اشعار وی نیز تناسب دارد:

فغان از چشم بدمستش که ناوک در کمان دارد کمین تیر از کمان او کمین عقل و جان دارد
 مگر مار است سوفارش که با هر کس سخن گوید مگر زار است پیکانش که در هر دل مکان دارد
 ۲-۲-۱۸ آخرین شعر جدید این نسخه در قالب رباعی است، لیکن با قراینی که
 ذکر می شود، انتساب آن به قطران موجه نمی نماید:

ای یار تو آفت سکون دل من هجر رخ تو ریخته خون دل من
 من دانم و دل که در فراق تو چونم کس را چه خبر ز اندرون دل من

این رباعی به نام ابوسعید ابوالخیر (نفیسی ۱۳۷۶: ۷۸) عراقی (۱۳۸۲: ۳۶۴) و
 اوحدی کرمانی (۱۳۶۶: ۲۲۰) - که نسخه دست نویس آن مکتوب سال ۷۰۶ ق است

(دانش‌پژوه ۱۳۴۸ ج ۱: ۵۹۹-۶۰۰)، نیز آمده است (نک: نفیسی ۱۳۷۶: ۵۶ و ۶۰). منبع رباعی منسوب به ابوسعید مقاله مولوی عبدالوالی (۱۹۰۹ م) و ترجمه منظوم رباعیات ابوسعید به زبان اردو به قلم مولوی مقصود احمد رامپوری در سال ۱۳۴۹ ذکر شده است (نفیسی ۱۳۷۶: ۱۹۵ و ۱۹۸). منبع آن در دیوان عراقی، نسخه بدون تاریخ کتابخانه حالت افندی است (عراقی ۱۳۸۲: هشتاد و یک). از آن جا که از ۱۵۰ رباعی موجود در دیوان قطران، ۱۳۳ رباعی در تمامی مصارع مقفاست و شعر مذکور تنها در یک نسخه رؤیت شده، انتساب آن به قطران -به زعم نگارنده- منتفی، و بنابراین در زمره اشعار تازه یاب وی به حساب نیامد. منابعی هم که این رباعی را به ابوسعید منسوب می‌کنند چندان معتبر نیستند. لذا، حضور رباعی مورد بحث در میان اشعار اوحدی کرمانی در نسخه‌ای قدیم (۷۰۶ق) احتمال انتساب آن را به این شاعر تقویت می‌کند.

۲-۳ نو یافته‌ها در متون دیگر:

طبق بررسی متون جنبی دیگری چون جنگ شماره ۲۳۲۶ مجلس و مجمع الفصحای هدایت، در مجموع ۱۱ بیت دیگر به اشعار نویافته قطران افزوده می‌شود:

۲-۳-۱ بخشی از جنگ دست‌نویس شماره ۲۳۲۶ که در قرن ۱۱ ق کتابت شده، درباره اشعار قطران است و تعدادی از ابیات قصیده ۶۲ بیتی: خریدم به دل دلبری رایگانی... که در دیوان چاپی نیز مندرج است (قطران ۱۳۶۲: ۳۷۹) در این جنگ، جای بررسی و تأمل دارد. کاتب جنگ برخی ابیات را لحاظ نکرده، لیکن ۸ بیت جدید به قطران منسوب نموده است (ص ۲۴۷-۲۴۸). او اشتیاقی به بی‌نقطه نگاشتن حروف داشته و این امر خوانش برخی لغات را دشوار کرده است. آرایش ابیات در این نسخه نیز با دیوان چاپی متفاوت است؛ ۸ بیت زیر به ترتیب پس از ابیات ۷، ۳۶، ۵۱ و ۵۸ از دیوان چاپی آمده است:

به مردم ستایی مرا فتنه دارد
 رمانی ز مهر تو کرده چو حورا
 تو آن جامه پوشی که دیدن نیارد
 پس ایدون ببخشی به خواری شاهان

شود فتنه مردم به مردم ستایی
 ز کین تو حورا شود چون رمانی
 شه مصری و خسرو چین ستانی؟



امیری طمیمی؟ به عمری ندیدی
 ز جود تو منسوخ شد چون میسر
 تو آنسی که داری جهانی ازیرا
 دهی تا به دو هفته دیگر ای شاه

هرگز که بردی گمانی
 طمیم شهی گشت چون شایگانی؟
 به جز در و دینار دادن نمدانی
 ولی را ز گنج عدو هست کانی

فقط بیت هفتم در نسخه ۷۶۶۸ (صفحه ۳۱۱) و در نسخه دیگری از دیوان قطران
 به خط عبرت نائینی (شماره ۴۹۵۶ مجلس، صفحه ۳۵۲) آمده و از دیگر ابیات
 مذکور نشانی پیدا نشد.

۲-۳-۲ مجمع الفصحاح نه تنها در ضبط ارجح برخی لغات می تواند یاری گر
 مصحح باشد، بلکه اشعاری جدید در آن ضبط شده است که به جز ۴ بیت از یک
 قصیده با مطلع: "آن باده کهن که ز پروردنش اگر ... - که در عرفات نیز ثبت شده و
 مصححان تازگی آن را یادآوری کرده اند (هدایت ۱۳۸۲: ۱۶۹۱؛ اوحدی بلیانی
 در ۱۳۸۹ ج ۶: ۳۳۵۹) - راقم این سطور در جایی ندیده که کسی متذکر اشعار دیگری
 شده باشد. قصیده: "اگرچه من نکنم عاشقی به طبع طلب ... (قطران ۱۳۶۲: ۲۹) در
 مجمع الفصحاح (هدایت ۱۳۸۲: ۱۶۷۰) بیتی تازه دارد:

به سان سوسن جهت به سان سنبل جعد به سان سیب زنخدان به سان سیم عنب
 ۲-۳-۳ در قصیده: "دماری تو ای چشم و دل را دماری ... (قطران ۱۳۶۲: ۳۸۳)
 مجمع الفصحاح بیت زیر را دارد (هدایت ۱۳۸۲: ۱۶۹۴) که در دیوان چاپی دیده
 نمی شود:

به خواری دهد بنده دستوری خود چو بدهی تو دستوری او را به خواری

۲-۳-۴ در خلال ترکیب‌بند معروف قطران (۱۳۶۲: ۴۳۸) - که بندهای آن در نسخه چاپی مجمع‌الفصحای به نادرست جدا از هم آمده - بیتی جدید (هدایت ۱۳۸۲: ۱۶۹۸) مشاهده می‌شود:

تا به گردنت اندر آورد ایزد از اقبال بال سایلان را بیش گشت از حرص و از آمال مال

نتیجه:

بررسی و ارزیابی اشعار قطران در متون گوناگون ادبی، به کشف اشعار بسیار دیگری به نام وی انجامید که در دیوان چاپی او دیده نمی‌شود. نگارنده در این جستار ضمن یادکرد منابع مختلفی که حاوی اشعار جدیدی از قطران است، به تصحیح برخی دگرسانی‌ها و اشتباهات مصحح دیوان با ذکر صورت اصح آنها و معرفی ۸۰ بیت نویافته توفیق یافته است. فرهنگ‌های صحاح‌الفرس، جهانگیری، رشیدی، مجمع‌الفرس، انجمن آرای ناصری و ۱۰ نسخه دست‌نویس کتاب‌خانه مجلس و ملی و نیز مجمع‌الفصحای هدایت از جمله متونی است که برای این مقصود مورد استفاده نگارنده قرار گرفت.

منابع

- احمد، نذیر (۱۳۹۰)، «مونس‌الاحرار دیگر از احمد بن محمد کلاتی اصفهانی»، قند مکرر پارسی، ترجمه سیدحسن عباس، بنیاد موقوفات محمود افشار.
- احمد رازی، امین (۱۳۸۹)، تذکره هفت اقلیم، تصحیح و تعلیقات از محمدرضا طاهری، چاپ دوم. تهران، سروش.
- انجو شیرازی، میرجمال‌الدین حسن (۱۳۵۱)، فرهنگ جهانگیری، ویراسته رحیم عقیقی، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- اوحدی، تقی‌الدین (۱۳۸۹)، عرفات‌العاشقین، به تصحیح ذبیح‌الله صاحبکاری و آمنه فخر احمد، چاپ اول، تهران، مجلس.
- تتوی، رشید (۱۳۳۷)، فرهنگ رشیدی، به تحقیق و تصحیح محمد عباسی، انتشارات کتاب-فروشی بارانی.

- جاجرمی، محمد (۱۳۳۷)، مونس الاحرار فی دقائق الاشعار، به اهتمام میرصالح طیبی، سلسله انتشارات انجمن آثار ملی.
- دانش پژوه، محمد تقی (۱۳۴۸)، فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ج ۱، انتشارات دانشگاه تهران.
- سفینه صائب (۱۳۸۵)، چاپ عکسی بر اساس دست‌نویس کتابخانه دانشگاه اصفهان با شماره ۱۰۷۷۵، به کوشش صادق حسینی اشکوری، با همکاری دانشگاه اصفهان و مجمع ذخایر اسلامی قم.
- سوزنی سمرقندی، محمد (۱۳۳۸)، دیوان، به تصحیح ناصرالدین شاه حسینی، تهران: امیرکبیر.
- شمس حاجی، محمد (۱۳۹۰)، سفینه شمس حاجی، به تصحیح میلاد عظیمی، چاپ اول، تهران: سخن.
- عابدی، امیرحسین (۱۳۵۹)، «سه قصیده ناشناخته از قطران تبریزی»، آینده، سال ششم، مهر و آبان ۱۳۵۹، ش ۷ و ۸.
- عراقی، فخرالدین (۱۳۸۲)، دیوان، به تصحیح نسرین محتشم، چاپ دوم، تهران: زوار.
- عطایی کجویی، و تهمنه، معرفت، شهره (۱۳۹۱)، «اشعار قطران تبریزی در لباب‌الالباب»، تاریخ ادبیات، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، شماره ۷۱.
- قطران تبریزی (۱۳۶۲)، دیوان، به تصحیح محمد نخجوانی، تهران، ققنوس.
- کاشانی، محمد قاسم (۱۳۳۸)، فرهنگ مجمع الفرس، به کوشش محمد دبیرسیاقی، کتاب‌فروشی علمی.
- کرمانی، اوحدالدین (۱۳۶۶)، رباعیات، به کوشش احمد ابو محبوب، با مقدمه محمدابراهیم باستانی پاریزی، تهران: سروش.
- مجله ارمنان، دوره ۱۵، مهر ۱۳۱۳، شماره ۱۶۱.
- دوره ۱۸، تیر ۱۳۱۶، شماره ۴.
- دوره ۲۲، فروردین، ۱۳۲۰، شماره ۱.
- مراغه‌ای، اوحدی (۱۳۴۰)، دیوان، به تصحیح سعید نفیسی، تهران: امیرکبیر.
- نخجوانی، محمد بن هندوشاه (۲۵۳۵)، فرهنگ لغت صحاح الفرس، به اهتمام عبدالعلی طاعتی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- نفیسی، سعید (۱۳۷۶)، سخنان منظوم ابوسعید ابوالخیر، چاپ ششم، تهران: سنایی.
- (۱۳۴۱). محیط زندگی و احوال و اشعار رودکی، انتشارات ابن سینا.

- نوشاهی، عارف (۱۳۷۸)، «مجموعه لطایف و سفینه ظرایف منبعی کهن در شعر فارسی و صنایع ادبی»، معارف، فروردین - تیر ۱۳۷۸، شماره ۴۶.
- واله داغستانی، علیقلی (۱۳۸۴)، ریاض الشعراء، تصحیح و تحقیق از محسن ناجی نصرآبادی، چاپ اول، تهران: اساطیر.
- هدایت، رضاقلی خان (۱۲۸۸ ق)، فرهنگ انجمن آرای ناصری (چاپ سنگی)، کاتب: میرزا آقای کمره‌ای، به تصحیح عبدالله منشی طبری، تهران، کارخانه مخبرالدوله علیقلی خان.
- (۱۳۸۲). مجمع الفصحاء، به کوشش مظاهر مصفا، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر.

نسخ دست‌نویس:

- جنگ اشعار، شماره ۲۳۲۶، کتاب‌خانه مجلس، مورخ قرن ۱۱ ق.
- دیوان قطران، شماره ۲۴۷۷، کتاب‌خانه مجلس، مورخ ۱۲۰۶ ق.
- شماره ۴۰۹۹، کتاب‌خانه مجلس، مورخ ۱۲۰۷ ق.
- شماره ۷۸۱۶، کتاب‌خانه مجلس، مورخ ۱۲۵۶ ق.
- شماره ۸۰۷۴۹، کتاب‌خانه مجلس، مورخ ۱۲۵۸ ق.
- شماره ۴۹۵۶، کتاب‌خانه مجلس، به تحریر عبرت نائینی.
- شماره ۱۳۵۵۲، کتاب‌خانه مجلس.
- شماره ۷۶۶۸، کتاب‌خانه مجلس.
- شماره ۲۳۲۴، کتاب‌خانه ملی، مورخ ۱۲۵۸ ق.
- (به اشتباه به رودکی منسوب شده است)، ش ۱۱۵۶۴، کتاب‌خانه مجلس، مورخ ۱۲۶۱ ق.
- (به اشتباه به رودکی منسوب شده است) و فرخی سیستانی، شماره ۱۶۹، کتاب‌خانه مجلس، مورخ ۱۳۷۰ ق.
- مجموعه لطایف و سفینه ظرایف، شماره Or 4110، موزه بریتانیا، تألیف در قرن هشتم و نهم.
- مجموعه اشعار، شماره ۸۸۳۶، کتاب‌خانه مجلس، مورخ ۱۰۳۳ ق.
- مونس الاحرار جاجرمی، کتاب‌خانه مجلس، مکتوب به سال ۷۴۱ ق.